



Historical Sociology of Iran:

A Critical Approach To Prof. Katouzian's Works

دولت فرسوده

سید عبدالامیر نبوی

nabavisa@yahoo.com

در دهه های اخیر، تعبیر مختلفی برای توصیف ماهیت و کارکردهای دولت و حکومت در خاورمیانه و گاه ارتباط آن با قدرت های بزرگ، پیشنهاد شده است؛ مانند: سلطانی، نئوپاتریمونالیستی، رانتیر، شبه مدرن، حامی پرور، اقتدارگرا، شبه اقتدارگرا، نیمه استبداری- نیمه دموکراتیک، شبه دولت، امنیتی، فرومانده، دست نشانده و حاشیه ای. البته تلاش برخی از دولت ها و حکومت های منطقه برای سازگاری با تحولات در دو مرحله پس از فروپاشی بلوک شرق و پس از سقوط رژیم عراق شدت گرفت، ولی به رغم تغییر برخی نخبگان حاکم و دگرگونی در تعداد و عملکرد نهادها و سازمان های رسمی، الگو و قواعد کلی سیاست ورزی دچار دگرگونی نشد. مهمترین مفهومی که امروزه برای بیان وضعیت دولت در خاورمیانه رواج دارد، «فرومانده» یا «ور شکسته» است که ناظر به آسیب پذیری شدید در برابر بحران های داخلی و خارجی است. این مفهوم برای توصیف شرایط برخی کشورها روشنگر است، ولی نمی تواند بیانگر وضعیت همه نظام های سیاسی منطقه باشد. درک درست شرایط این گونه کشورها منوط به آن است که طبق توصیه میگدال دولت به عنوان بخشی از میدان منازعه که در کنش متقابل با سایر بازیگران اجتماعی قرار دارد، در نظر گرفته شود. در نتیجه، با توجه به هم ماهیت و هم عملکرد دولت در عموم کشورهای خاورمیانه، به نظر